

عنوان مقاله:

ماهیت روان شناسی اسلامی، پیشینی یا پسینی

محل انتشار:

دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، دوره 10، شماره 19 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

محمدحسن ابراهیمی دهشیری - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد

مریم صالح زاده - استادیار گروه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه یزد

خلاصه مقاله:

بحث درباره روان شناسی اسلامی، چالش بر سر ماهیت و مفهومی مناقشه برانگیز مرتبط با معانی متفاوتی است که از این مفهوم ارایه شده است. این مقاله از پیشینی و پسینی بودن روان شناسی اسلامی سخن می گوید. پرسش اساسی این است که روان شناسی اسلامی ماهیتی بالفعل و تحقق یافته دارد یا مفهومی بالقوه و امکانی است که می توان آن را محقق ساخت در پاسخ، کوشش شد که استدلال شود روان شناسی اسلامی ماهیتی پسینی دارد. در این باره سه فرض اساسی با محور قراردادن نظریه رایشنباخ (تفکیک گردآوری از داوری) وجود دارد: نخست آنکه روان شناسی اسلامی نوعی علم دینی است، بنابراین مفهومی است امکانی؛ دوم اینکه نقصان فلسفی معادل با بطلان تجربی نیست؛ از این رو، تحقق روان شناسی اسلامی به معنای نفی نظریه های روان شناسی معاصر نخواهد بود و سوم، اهمیت پیش فرض های نظریه های علمی است که پیامدش توجه به زیربنای نظریه های موجود روان شناسی و کوشش برای تدوین نظریه های نو براساس پیش فرض های اسلامی خواهد بود.

کلمات کلیدی:

ماهیت پیشینی، ماهیت پسینی، پیش فرض های اسلامی، نظریه رایشنباخ، علم دینی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/856174>

